

# یگانگی با مردان جنگ

یادداشتی در  
مورد داستان  
ظهور  
علی موذنی

کنگره سرداران شهید سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۷۶ نتایج پربراری در حوزه ادبیات و به ویژه خاطره نگاری به همراه داشت. سفارش مسئولان کنگره به نویسندگان، برای نوشتن زندگی سرداران سیستان مجموعه ارزشمندی از آثار متنوع ادبی به وجود آورد. علی موذنی یکی از بهترین آثار آن مجموعه را نگاشت. زمانی چند لایه به نام «ظهور» که با نگاهی متفاوت در فرم، به زندگی سردار شهید حاج یونس زنگی آبادی پرداخته است. «ظهور» ماجرای نویسنده‌ای است که بنا به خواست یک شهید برای نوشتن زندگی نامه‌اش به روستای زادگاهش می‌رود و داستان زندگی او را از طریق راهنمایی‌های شهید از طریق دوستان و خانواده‌اش دریافت می‌کند.

علی موذنی در زمان ظهور دنیایی داستانی خلق می‌کند که در آن نویسنده‌ای به نام آقای صفایی با اثرش یگانگی می‌شود. یکی از مهم‌ترین نکاتی که اثر یک نویسنده را شاخص و برتر می‌کند همین یگانگی شدن نویسنده با اثر است. شخصیت آقای صفایی در کارهای دیگر علی موذنی مانند ملاقات در یک شب آفتابی نیز دیده می‌شود. داستان ظهور با دو خط داستانی شروع می‌شود. اولین خط داستانی از زبان آقای صفایی شروع می‌شود که قرار است زمانی درباره شهید یونس زنگی آبادی بنویسد و به دنبال حوادثی که برایش اتفاق می‌افتد و دیدن نشانه‌ای به عنوان حضور شهید یونس زنگی آبادی. با پیش رفتن داستان ارتباط بین آقای صفایی و موضوع رمانش تاحدی صمیمانه می‌شود که شهید در قالب نوری طلایی حلول می‌کند و ظاهر می‌شود. دومین خط داستانی، همان داستان خطی و به ظاهر ساده‌ای است که آقای صفایی در مورد

شهید یونس شروع به نوشتن آن کرده است. یک داستان متعارف و بدون پیچ و تاب فنی و هنری که آقای صفایی تا یک فصل مانده به آخر رمان، آن را ادامه می‌دهد و اطلاعاتی را درباره شهید و زندگی نامه او از کودکی تا لحظه شهادتش به خواننده منتقل می‌کند. فصل آخر رمان دو خط داستانی را با هم یکی می‌کند و در اصل این فصل، نقطه تلاقی و تماس دو داستان است؛ یکی داستان آقای صفایی و دیگری رمان «ظهور». در واقع مؤذنی با خلق یک شیوه نو در قالبی مدرن توانسته به راحتی از پس اجرای این رمان مدرن برآید، به طوری که خواننده هیچ گاه در صدد برنمی‌آید که در خصوص واقعیت داستان شک و تردیدی به دل راه دهد. به اتکای این شگرد تداخل مستندات و تخیل، خواننده همه حوادث را تا انتهای داستان می‌خواند و می‌پذیرد.

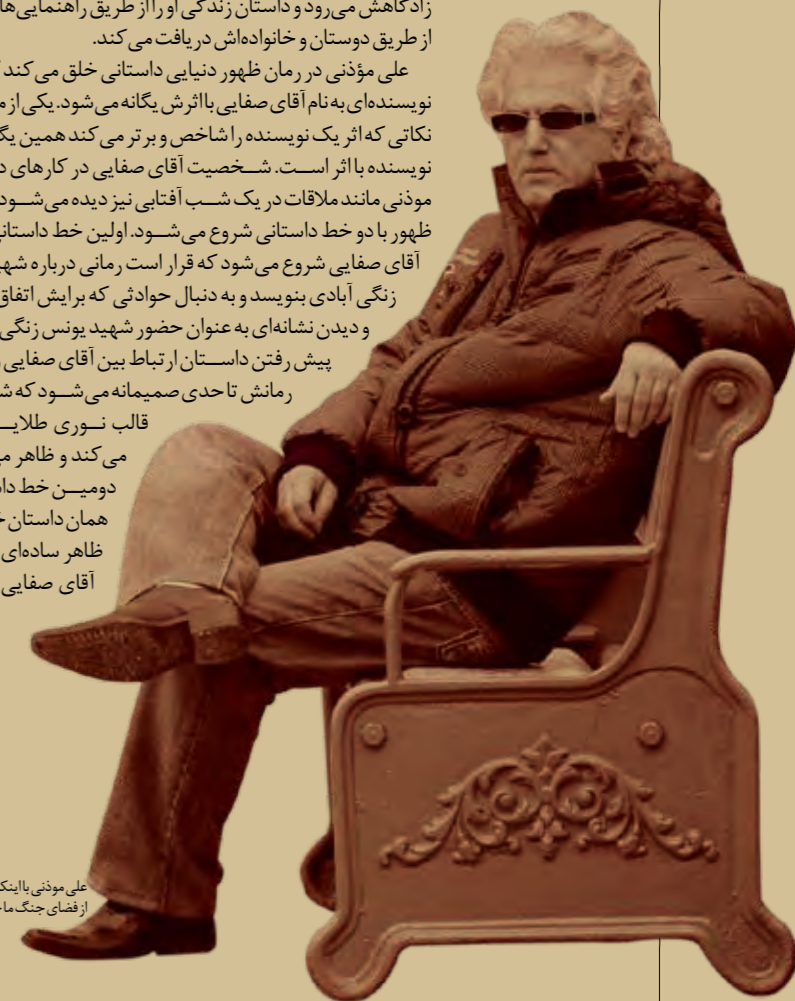
ظهور با آنکه پر از اتفاقات ماورائی است و ظاهر شدن حاج یونس را به شکل‌های مختلف بر نویسنده بیان می‌کند، اما باورپذیر و روان است. این خود حاج یونس است که نویسنده را ترغیب به نوشتن می‌کند و در تمام مراحل نگارش در کنار او و خانواده‌اش به اشکال مختلف یقین‌آورتر می‌شود. بیان حالات روحی خانواده حاج یونس، دخترش فاطمه و مصطفی هوشمندانه و جذاب است. مؤذنی را می‌توان یکی از انگشت‌شمار کسانی دانست که در حوزه ادبیات با پایداری، چهره شاخص و درخشانی از خود ارائه کرده است. کار و دیدگاه او در قلمرو داستان از اصالت و اقتدار خاصی برخوردار است.

موذنی نویسنده‌ای است که همیشه بین مرز نویسندگی و فیلم‌نامه‌نویسی معلق است. چه آن زمان که تصویر کلمات را به تحریر می‌کشد و رمان‌هایی چون «ملاقات در شب آفتابی» و «ظهور» را می‌آفریند و چه امروز که کلمه را برای تصویر و سینما خلق می‌کند. او یک شخصیت با دو وجه متفاوت است. او جزو نویسندگانی است که جنگیدن در جبهه را از نزدیک تجربه نکرده، ولی به قول خودش برای دینی که به شهدا و جانبازان و به خانواده‌های آنها داشته است، چند داستان و رمان جنگی خالصانه نوشته است. ظهور در ابتدا در کنگره شهدای سیستان و بلوچستان (۱۳۷۶) و پس از تکمیل در ۱۳۸۶ توسط نشر نیستان به چاپ رسید و نوید بازگشت دوباره این نویسنده به دنیای داستان را همراه داشت. از آثاری که تاکنون از مؤذنی به چاپ رسیده است، می‌توان به کتاب‌های «کشتی به روایت توفان»، «قاصدک»، «کلاهی از گیسوی من»، «بشارت»، «مسیحایی»، «دوستی» و «ظهور» اشاره کرد.

■ حامد هادیان



علی موذنی با اینکه خود به جبهه نرفته، آثاری قابل‌باور از فضای جنگ‌ما خلق کرده است



مناسبت  
تاریخی  
انقلاب

## واقعه طبس

۱۳۵۹ / ۲ / ۵

شاید ۳۰ سال پس از واقعه، هنوز هم یک جوان نسل سوم انقلاب نداند پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، دقیقاً در صحرای طبس چه روی داد. در این سال‌ها کمتر گزارش یکدست و جامعی از طرح و اجرای این عملیات و تبعات آن منتشر شده است. پنجم اردیبهشت ماه امسال سی‌امین سال شکست عملیات نظامی آمریکادر صحرای طبس است و بهانه خوبی برای مرور این واقعه عجیب و سرنوشت‌ساز. در ادامه، مروری هم بر زندگی و شهادت مردی داریم که در ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ در خیابان فخرآباد تهران ترورش کردند؛ مردی که امام پاره تنش نامید.